



مزار ۱۲۰۸ شهید مدفون در «خواجه ربیع» غبارروبی و رنگ آمیزی شد

به رنگ پرچم

روز پنجشنبه است و مثل هر هفته خیلی ها برای سرزدن به آموثشان به «خواجه ربیع» آمده اند، اما این آخر هفته، آرامستان کمی شلوغ تر از هفته های دیگر است. عده ای دختر و پسر جوان، و بعضا میان سال، دوان دوان از درهای اصلی وارد باغ می شوند و پس از پرس و جواز نگهبان ها به پشت بقعه می روند تا لیوان رنگ و سباده و قلم مو تحویل بگیرند و به کار مشغول شوند؛ کاری که خودشان برای آن داوطلب شده اند و اینقدر برایشان ارزش دارد که از استراحت آخر هفته شان زده اند و سر صبح خودشان را به «خواجه ربیع» رسانده اند. دوهفته ای می شود که بچه های دانشجو، پنجشنبه و جمعه به این آرامستان می آیند تا قبرهای شهدا را رنگ آمیزی کنند؛ قبرهایی که بعضی هایشان حساسی کهنه شده بود، حالا بهمت دانشجوها دوباره نو نور شده است.

شهدا بیشتر دوست شونده و آن ها را بهتر بشناسند. یکی از راه هایی که به نظر ما باعث می شد جوانان دانشجویی مثل من با شهدا انس بگیرند، همین رنگ آمیزی کردن مجدد قبور شهداست. خاطره این کار تا سال های سال در ذهن بچه ها می ماند. موارد زیادی داشتیم که فردی وارد قسمت مزار شهدا شده و با قبری که دفعه قبلی رنگ کرده، مواجه شده است و با خوشحالی می گوید که «این کار من است.» حتی عکس هایی را که از خودش و مزار گرفته به ما بقیه دوستانش نشان می دهد و شک نکنید این ارتباطی که به همین واسطه بین او و آن شهید ایجاد می شود، به راحتی قطع نمی شود.

او ادامه می دهد: «مشارکت ها تا الان بیش از حد انتظار مان بوده است. خیلی جالب است بدانید که کانال تلگرامی ما در ابتدا ۱۰۰ عضو بیشتر نداشت که الان به مرز ۶۰۰ نفر رسیده است؛ همچنین در برنامه اولمان که در حرم مطهر برگزار شد، با وجود اطلاع رسانی کمتر در مقایسه با «خواجه ربیع»، ۴۰۰ نفر مشارکت کننده داشتیم.»

«آستان قدس رضوی» و «بنیاد شهید» فکری به حال قبرهای فرسوده کنند جلالی در ادامه با گلایه از وضعیت قبور شهدا در آرامستان «خواجه ربیع» می گوید: «متأسفانه قبور شهدا بعضا وضعیت مناسبی ندارد. چندین بار در همین «خواجه ربیع» پیش آمد که هنگام کار کردن، اصلا خود سنگ قبر شکسته و یا از هم پاشیده است. برای همین مجبور هستیم که از بچه ها خواهش کنیم که با آرامش بیشتری کار کنند تا مزارها آسیب نبیند. این مسئله ای است که «بنیاد شهید» و «امور ایثارگران» یا «آستان قدس رضوی» باید حتما به آن ورود پیدا کنند و سنگ قبر برخی از این شهدا را که واقعا قدیمی و فرسوده شده است، تعویض کنند.»

خانواده های شهدا هم مشارکت می کنند
مواجهه خانواده شهدا با سنگ قبرهای رنگ شده عزیزانشان جزو لحظه های فراموش نشدنی بچه های دانشجویست. امید جلالی در همین رابطه بیان می کند: «در همین غبارروبی خانمی آمد و گفت: «ما ساکن مشهد نیستیم. در تهران زندگی می کنیم و سال هاست که نتوانستیم به قبر برادر رسیدگی کنیم.» وقتی با مزار رنگ شده برادرش روبه رو شد، حال عجیبی به او دست داد و مدام از ته دل، ما و بچه ها را دعا می کرد. این اتفاق در حرم هم افتاد. مادر یکی از همین شهدا می گفت: «من دو سال است که می خواهم قبر پسر را رنگ کنم، اما اجازه نمی دهند که رنگ ها را با خودم داخل حرم بیاورم. ایشان هم مدام به جان بچه های دانشجویی که مزار پسرش را رنگ کرده بودند دعای خیر می کرد. این لحظه ها اینقدر جالب است که ما خودمان اقدام به مستندسازی آن ها کرده ایم و با خیلی از این خانواده ها گفت و گوهایی هم داشته ایم؛ حتی این طرح اینقدر برایشان جالب است که در همین «خواجه ربیع» خانواده شهید آمدند و هم قبر عزیز خودشان را رنگ آمیزی کردند و هم مزار یکی دو شهید دیگر را.»

آرامشی دارم که قبلا تجربه داش نکردام

به سرعت از در باغ اول وارد می شود و پسران پسران خودش را به بچه هایی می رساند که رنگ و قلم مو تحویل می دهند. می گوید دانشجوی سال اول معماری است و تا چند ماه پیش میانه ای با این چیزها نداشته است و بعد ادامه می دهد: «چند هفته پیش در ایستگاه مترو، همان طور که معطل نشسته بودم، از قفسه کنار دستم، کتابی در مورد یکی از شهدا خواندم. دفعه اولی هم بود که دست به چنین کتاب هایی می بردم و خیلی هم خوشم آمد. فکرم را مشغول کرده بود که چطور می شود یک آدم از کانادا دل بکند و بیاید تا در جنگ حاضر شود. اطلاعاتی این رنگ آمیزی را هم در یکی از گروه های تلگرامی دانشگاه دیدم. دوبه شک بودم که بیایم یا نه. دلم را به دریا زدم و آدم و مطمئنم که پشیمان نمی شوم. همین الان هم حال خوب و آرامشی دارم که قبلا تجربه داش نکردام.»

به خاطر شادی دل مادران شهدا

در میان همه خانم هایی که زیر یکی از طاق ها مشغول غبارروبی و رنگ آمیزی هستند، یک نفر بیشتر از همه جلب توجه می کند. دختر جوان دانشجویی که دست بچه چهار ساله اش را گرفته و اول صبح از الهیه تا خواجه ربیع آمده است تا در کار رنگ آمیزی قبرها کمک کند. او دومین بار است در این طرح شرکت می کند.

وقتی می پرسیم که «با این بچه کوچک برایتان سخت نیست؟» پاسخ می دهد: «اگر بگویم سخت نیست که دروغ گفته ام. همین الان هم پسر کم کم دارد بهانه می گیرد، من هم خیلی اذیتش نمی کنم. همین اندازه بفهمم که دیگر تحملش تمام شده می روم. بی اغراق می گویم: همه این سختی ها هم برای من شیرین و دوست داشتنی است.»

غبارروبی و رنگ آمیزی مزار ۱۲۰۸ شهید مدفون در «خواجه ربیع»

امید جلالی، مسئول برنامه ریزی غبارروبی و رنگ آمیزی قبور شهدا، در گفت و گو با خبرنگار شهر آرامحله می گوید: «کانون «خادمین شهدای گمنام» حدود سه چهار ماه می شود که تشکیل شده است و در این مدت برنامه های زیادی در خصوص شهدا اجرا کردیم که یکی از آن ها غبارروبی و رنگ آمیزی مزار شهدای هشت سال دفاع مقدس است. این طرح را ابتدا از حرم مطهر شروع کردیم و حدود ۷۸۰ قبر شهید غبارروبی و رنگ آمیزی شد. با توجه به فرسوده شدن قبور شهدای آرامستان «خواجه ربیع» تصمیم گرفتیم که مرحله دوم این طرح را در «خواجه ربیع» اجرا کنیم. اینجا هم طبق آمارها ۱۲۰۸ شهید دارد، که ما ظرف دوهفته قبور این عزیزان را رنگ آمیزی و غبارروبی می کنیم.»

هدفمان ارتباط گیری نسل جوان با شهداست

جلالی دلیل انتخاب این کار را این طور تشریح می کند: «هدف از انجام دادن چنین کاری این است که نسل جوان و بچه های دانشجو با

کانون «خادمین شهدای گمنام» حدود سه چهار ماه می شود که تشکیل شده است و در این مدت برنامه های زیادی در خصوص شهدا اجرا کردیم که یکی از آن ها غبارروبی و رنگ آمیزی مزار شهدای هشت سال دفاع مقدس است

خبر



صعود کوه نور و نوجوان محله بهمین به قله ۵۰۴۷ متری «کازیک»

آماده برای فتح «اورست»

امیر محمد دانایی، کوه نور دوهفته ساله محله بهمین که تاکنون چندین بار موفق به فتح قله های داخلی شده است، این بار «کازیک» گرجستان را فتح کرد. دانایی در مورد این صعود به شهر آرامحله می گوید: «این قله در مرز بین گرجستان و روسیه قرار دارد و جزو سخت ترین کوه های اروپا برای صعود است و تقریبا با هیچ مالیا برابری می کند. «کازیک» در بین کوه نوردان به خاطر شباهت هایی که با قله «اورست» در نوع یخچال ها و شیب های یخی دارد، به «اورست کوچک» مشهور است.»

وی در ادامه می افزاید: «صعود به «کازیک» جایی در بین برنامه هایم نداشت و از حدود یک سال قبل خودم را برای فتح «لنین» در قریزستان آماده می کردم که به دلیل نبود سرمایه گذار و هزینه های زیاد سفر، از این صعود منصرف شدم، اما آشنایی ام با گروه هم نوردان تبریز باعث شد که اولین تجربه صعود خارج از کشورم، فتح «کازیک» باشد. این را هم اضافه کنم که به دلیل پنهان بودن شکاف های یخی این قله در زیر برافرا، صعود به «اورست کوچک» کار چندان راحتی نیست و بارها به همین علت کوه نوردان جان خودشان را از دست داده اند.» سن و سال پایین امیر محمد دانایی برای صعود به «اورست کوچک» موضوعی است که تعجب کوه نوردان دیگر کشورها را به همراه داشته است. وی در این باره بیان می کند: «وقتی با دیگر کوه نورد ها، به ویژه خارجی ها بر خورد می کردم، شگفت زده می شدند که چطور یک نوجوان ۱۷ ساله به خودش جرئت داده که به «کازیک» صعود کند، حتی در کمپی که بودیم با مربی تیم ملی کوه نوردی لهستان هم صحبت کردم و برای او هم با آن هم سابقه تعجب برانگیز بود که من چطور تا آنجا آمده ام؛ چون خودشان هنوز نتوانسته بودند صعودشان را تکمیل کنند. جالب اینکه وقتی موفق به فتح «کازیک» شدیم و در راه برگشت مجدد به لهستانی ها برخورد کردیم، به استقبال من آمدند و حسابی تشویق کردند.»

کوه نور و نوجوان برنامه صعودهای آینده اش را این طور تشریح می کند: «به لطف خدا ظرف ۲۰ روز تا یک ماه آینده سفری به روسیه خواهم داشت تا این بار به قله «البروس»، که به «بام اروپا» مشهور است، صعود کنم. اکنون هم مشغول آماده سازی و تمرین برای فتح این قله هستم.»

